



HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir/	Vol. 56, No. 4: Issue 139, Winter 2025, p.169-195	
Online ISSN: 2538-3892	Print ISSN: 2008-9139	
Receive Date: 03-12-2022	Revise Date: 04-03-2023	Accept Date: 13-03-2023
DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2023.79891.1487	Article type: Original	

Jurisprudential evaluation of Taking Possession of *Hajj* Expenses and the Removal of Financial Capability for the Eligible Pilgrim

Mohammad Baqir Karmilacha'b (Corresponding Author), Graduate of Level Two, Jaza'iriya Seminary, Shushtar, Khuzestan, Iran

Email: mhmdbaqrk176@gmail.com

Dr. Hamid Mo'azeni Bistgani, Graduate of Level Four, Qom Seminary, and PhD, Department of Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, Faculty of Theology, Law, and Islamic Studies, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

Abstract

Hajj is one of the conditional obligations and becomes mandatory for the *mukallaf* (the legally responsible individual) once they achieve financial capability or *'istiṭā'ah*. Based on the consensus of the jurists (*ijmā*) and with reference to clear evidence, a *mukallaf* is prohibited from manipulating their property in a way that would remove their financial capability after they acquire *'istiṭā'ah*. However, jurists have differing views on whether the prohibition is absolute or conditional, with several opinions presented. Some consider the criterion for prohibition to be the ability of the journey, while others define it as the departure of the caravan, and some the arrival of the months of *Hajj*. Yet another group asserts that the prohibition is absolute. The present study is conducted using the descriptive-analytical method and library research, and concludes that the individual is prohibited from depriving themselves of this capacity under any circumstances after achieving *'istiṭā'ah*. Some advocates of the absolute prohibition of forfeiting *'istiṭā'ah* have made exceptions, permitting the individual to act in cases on necessity. This stance is supported by narrative evidence and jurisprudential principles. In terms of legal status (*hukm-i waz'i*), non-essential transactions carried out using the *nafaqah* allocated for *Hajj* are valid and legally binding.

Keywords: *'istiṭā'ah*, forfeiture of *'istiṭā'ah*, utilization of *Hajj* funds, neglect of obligation, *nafaqah* for *Hajj*, jurisprudence of *Hajj*.





HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir/	سال ۵۶ - شماره ۴ - شماره پیاپی ۱۳۹ - زمستان ۱۴۰۳، ص ۱۹۵ - ۱۶۹	
شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۳۸۹۲	شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۳۹	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۲
DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2023.79891.1487	نوع مقاله: پژوهشی	

ارزیابی فقهی تصرف در نفقه حج و سلب استطاعت مستطیع

محمدباقر کرملاجعب (نویسنده، مسئول)

دانش آموخته سطح دو حوزه علمیه جزائره شهرستان شوشتر، خوزستان، ایران

Email: mhmdbaqrk176@gmail.com

دکتر حمید مؤذنی بیستگانی

دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم و دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، حقوق و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

چکیده

حج یکی از واجبات مشروط است و پس از تحقق استطاعت بر ذمه مکلف مستقر می‌شود. به اجماع فقها و با استناد به ادله متقن، مکلف پس از حصول استطاعت، مجاز به تصرف در اموال و سلب استطاعت از خود نیست. اما در اطلاق یا تقیید حرمت، بین فقها اختلاف نظر واقع شده و اقوالی مطرح است. برخی ملاک حرمت را تمکن از سفر و برخی خروج کاروان و برخی رسیدن به ماه‌های حج می‌دانند و بعضی دیگر قائل به اطلاق هستند. طبق یافته‌های این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است، پس از حصول استطاعت، مکلف از لحاظ زمانی، مطلقاً مجاز به سلب استطاعت از خود نیست. برخی از قائلان به اطلاق حرمت سلب استطاعت، آن را نسبت به شرایط مکلف تخصیص زده و مکلف را به هنگام ضرورت مجاز به تصرف دانسته‌اند که قول این دسته از فقها با استناد به دلیل روایی و قواعد فقهی پذیرفته شده است. از لحاظ حکم وضعی نیز معاملات که غیر ضروری و با استفاده از نفقه حج صورت می‌گیرد، صحیح و نافذ است.

واژگان کلیدی: استطاعت، سلب استطاعت، تصرف در مال الحیج، تقویت واجب، نفقه حج، فقه الحج.

مقدمه

از جمله فرایض دینی که در مصادر تمام فرق اسلامی ثابت شده است، فریضه عبادی سیاسی حج است. برپاداشتن و امتثال حج علاوه بر آثار معنوی و پاداش اخروی، در تعظیم و تبلیغ شعائر دینی و ارتفاع جایگاه سیاسی و اجتماعی دین مبین اسلام تأثیر بسزایی دارد. فریضه حج همانند دیگر واجبات، مشروط به شرایط عامه تکلیف است اما علاوه بر شرایط عامه، به حکم آیه شریفه «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»^۱ مشروط به حصول استطاعت نیز است و به شرط تحقق استطاعت، وجوب آن بر ذمه مکلف مستقر می‌شود که به اصطلاح اصولی، واجب مشروط نامیده می‌شود.

با ملاحظه اینکه وجوب حج، مشروط به حصول استطاعت است، طبیعتاً فروع بسیاری بر آن مترتب می‌شود. از جمله مسائل برگرفته از قید استطاعت و در زمینه استطاعت مالی عبارت است از: اگر شخصی از جنبه مالی مستطیع شود آیا می‌تواند در اموال خود تصرف کند و خود را از استطاعت خارج کند یا نمی‌تواند؟ و در صورت تصرف، آیا معاملاتی که با استفاده از آن اموال صورت گرفته، صحیح و نافذ هستند یا خیر؟

امروزه برخی از اقشار جامعه از درآمد شایان توجهی برخوردارند که طبق تحقیقات انجام شده بعضی از آن‌ها مستطیع شده اما متأسفانه برای ادای این فریضه الهی اقدام نمی‌کنند و در اموال خود تصرف می‌کنند، لذا این مسئله امروزه از مسائل فقهی مورد ابتلا به شمار می‌رود که همین در ضرورت بحث و پژوهش در این زمینه کافی است. علاوه بر آن، بنابر بررسی‌های صورت گرفته این مسئله به صورت جداگانه بررسی نشده است، مگر آنچه فقها و مراجع عظام تقلید در لابه لای تألیفات و دروس خود بیان کرده‌اند که نبود پیشینه به ضرورت بررسی این مسئله می‌افزاید.

اکنون با توجه به مبتلا به بودن مسئله و نبود پیشینه، تحقیق در این زمینه را ضروری دانستیم و در صدد آن هستیم که این مسئله را در قالب پژوهشی مستقل بحث و بررسی کنیم.

در این پژوهش، ابتدا به بررسی حکم تکلیفی تصرف و مسائل آن و سپس به بررسی حکم وضعی تصرف و انعقاد معاملات می‌پردازیم. در پایان هم دیدگاه مختار خود را بیان خواهیم کرد.

۱. بررسی حکم تکلیفی تصرف مستطیع در مال الحج

۱.۱. تبیین محل نزاع

باتوجه به اینکه حکم شرعی در مباحث اصولی، به حکم شرعی تکلیفی و حکم شرعی وضعی تقسیم

شده است^۲ و در این پژوهش درصدد بررسی حکم شرعی تصرف در مال الحج هستیم، لازم است مسئله را در مرحله اول از لحاظ حکم تکلیفی و در مرحله دوم از لحاظ حکم وضعی بررسی کنیم.

در ابتدا لازم به ذکر است که فقها تحقق استطاعت را مشروط به حصول چهار مورد دانسته‌اند:^۳ استطاعت مالی،^۴ استطاعت بدنی،^۵ استطاعت زمانی^۶ و استطاعت سربی.^۷ در صورتی که مکلف واجد تمام شرایط استطاعت باشد، اصطلاح مستطیع بر آن صدق خواهد کرد.

راجع به استطاعت مالی بسیاری از فقها قائل‌اند که اگر امثال حج متوقف بر آن اموال نباشد - مثلاً کسی هزینه مکلف را متعهد شود (حج بذلی) یا اینکه مکلف بتواند حج واجب خود را به‌عنوان خادم کاروانی امثال کند - مکلف مجاز به سلب استطاعت و تصرف در اموال خود خواهد بود؛^۸ زیرا دلیل حرمت تصرف در مال الحج - همان‌طور که خواهد آمد - «تفویت حج» است اما در فرض مذکور که مکلف برای امثال حج نیازمند اموال خود نیست، تصرف در اموال سبب تفویت واجب (حج) نمی‌شود و در نتیجه، جایز خواهد بود.

همچنین، بعضی از فقها عدم جواز تصرف را مقید به اطمینان به عدم حصول استطاعت دانسته و گفته‌اند: «ملاک عدم جواز تصرف این است که در صورت تصرف و خروج از استطاعت، سال دیگر نتواند مستطیع شود و حج به جا آورد، اما در صورتی که مطمئن باشد که در صورت تصرف تنها در سال جاری از استطاعت خارج شده اما در سال آینده مستطیع می‌شود و می‌تواند حج را امثال کند، هیچ اشکالی در جواز تصرف و خروج از استطاعت نیست، اگرچه ترک تصرف اولی و بهتر می‌باشد.»^۹

محل بحث و بررسی عبارت است از اینکه: مکلف برای امثال حج نیازمند اموال خود است یا به عبارتی دیگر، امثال حج متوقف بر آن اموال است و مطمئن است که در صورت سلب استطاعت، در سال آینده مستطیع نخواهد شد - که در این صورت اگر مکلف در اموال خود تصرف کند، دیگر نمی‌تواند حج واجب خود را به جا بیاورد - حال سؤال این است که آیا در این فرض جایز است مکلف در اموال خود تصرف کند و خود را از استطاعت خارج کند یا جایز نیست؟

۲. صدر، درس، ۱۲/۱.

۳. خمینی، تحریر الوسیلة، ۳۹۲/۱.

۴. اینکه مکلف هرآنچه را که در سفر به آن نیاز دارد، از قبیل ماکول و مشروب و وسیله نقلیه داشته باشد.

۵. اینکه مکلف برای رفتن به مکه و امثال حج توانایی و سلامت جسمی لازم را داشته باشد.

۶. اینکه مکلف برای انجام سفر حج و ادای مناسک، زمان کافی داشته باشد.

۷. اینکه در مسیر و مقصد امنیت داشته باشد و بر جان، مال یا آبروی خود در سفر و هنگام ادای مناسک احساس خطر نکند.

۸. آملی، مصباح الهدی، ۳۶۸/۱۱.

۹. فیاض، تعالیق مبسوطه، ۱۰۵/۸.

۱. ۲. ادله عدم جواز (حکم تکلیفی) تصرف مکلف مستطیع در مال الحج

نظر به آنچه بیان شد، لازم است مسئله را از نظر حکم تکلیفی و نیز حکم وضعی بررسی کنیم. در زمینه حکم تکلیفی سلب استطاعت، اکثر فقها که نظرات آن‌ها بیان خواهد شد قائل به حرمت و عدم جواز سلب استطاعت هستند؛ بلکه پس از تفحص و بررسی در کتب بزرگان و فقها، کسی را که مخالف و قائل به جواز تصرف باشد، نیافتیم و ظاهراً مسئله حرمت سلب استطاعت، میان فقها اجماعی است. اکنون در این قسمت از پژوهش درصدد پرداختن به بیان ادله حرمت تصرف در مال الحج و سلب استطاعت مستطیع هستیم و حکم تکلیفی تصرف و سلب استطاعت را بررسی می‌کنیم.

أ. روایات: اولین دلیلی که برای اثبات حرمت سلب استطاعت می‌توان به آن تمسک جست، «صحیحہ حلبی» است: «عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «إِذَا قَدَرَ الرَّجُلُ عَلَى مَا يُحُجُّ بِهِ ثُمَّ دَفَعَ ذَلِكَ وَ لَيْسَ لَهُ شُغْلٌ يَعْذِرُهُ بِهِ فَقَدْ تَرَكَ شَرِيعَةَ الْإِسْلَامِ.»^{۱۰}

نحوه استدلال: روایت حاکی از این است که اگر مکلف مستطیع شود و بدون عذر موجهی که او را نزد خداوند معذور بدارد حج را ترک کند، حقیقتاً یکی از شرایع اسلام را ترک کرده است و مسلم است که ترک واجبات، حرام است. سلب استطاعت هم از جمله اسبابی است که سبب ترک و دفع واجب است؛ لذا سلب استطاعت، سبب ترک واجب است و آنچه موجب ترک واجب می‌شود حرام است.

ب. وجوب حفظ استطاعت: دلیل دیگری که صلاحیت دلالت بر حرمت سلب استطاعت را داراست و می‌توان به آن استناد کرد این است که مکلف پس از حصول استطاعت، موضوع وجوب قرار می‌گیرد؛ زیرا طبق قواعد اصولی، منجز شدن حکم بر مکلف، متوقف بر علم او^{۱۱} و موضوع وجوب^{۱۲} است که در فرض مورد بحث، مکلف واجد شرایط تنجز حکم و مکلف شدن است، لذا موضوع حج واقع شده است. در نتیجه، پس از فراهم شدن شرایط، وجوب حج بر ذمه او مستقر می‌شود و پس از استقرار حج و فعلیت وجوب، انجام آنچه منافی وجوب است از جمله تصرف در اموال، براساس مقدمات مفوتة اصولی ممنوع خواهد بود.^{۱۳}

اشکال: اشکال شده است که حج از واجبات مشروط است و براساس قواعد اصولی، بر مکلف واجب

۱۰. امام صادق(ع) می‌فرماید: اگر شخصی بر هر آنچه که برای حج نیاز دارد قادر شود و سپس آن را بدون عذر موجهی که او را نزد خداوند معذور بدارد، ترک کند، به تحقیق شریعه‌ای از شرایع اسلام را ترک کرده است. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۲۶/۱۱.

۱۱. مظفر، اصول الفقه، ۳۵/۲.

۱۲. صدر، دروس، ۱۲۲/۱.

۱۳. مظفر، اصول الفقه، ۳۳۷/۱.

نیست خود را به زحمت اندازد تا شرایط و جوب را مهیا کند و موضوع آن قرار گیرد.^{۱۴} همچنین وجوب حج، مقتضی وجوب حفظ شرط (استطاعت) بعد از حصول هم نیست. در نتیجه، همان طور که تحصیل شرط حدوداً واجب نیست، حفظ آن بقا هم واجب نخواهد بود و وجوب حج در وجوب حدوث و بقای استطاعت تأثیری ندارد.^{۱۵}

بعضی از فقها براساس این مبنا بر استدلال مورد بحث اشکال وارد کردند و آن را تام نمی دانند و برای اثبات حرمت سلب استطاعت به ادله خارجی استناد کرده و گفته اند: «اگر مکلف از حکم حج تخلف کند و خود را از استطاعت خارج کند، قهراً حکم وجوب حج به دلیل فقدان موضوع از ذمه اش ساقط می شود؛ زیرا وجود حکم حدوداً و بقائاً دایرمدار وجود موضوعش می باشد که اکنون موضوعش مفقود شده است.»^{۱۶} در نتیجه، مکلف می تواند در اموال خود تصرف کند و خود را از موضوعیت وجوب خارج کند. پاسخ به اشکال، پاسخ اول (نقضی): این استدلال و این گونه تحلیل در احکام شرعی، مثال نقضی دارد که در آن موارد فرض مسئله مانند مسئله مورد بحث است اما شرط را تنها شرط حدوث دانسته اند و پس از حصول آن، حکم را بر ذمه مکلف مستقر می دانند.

۱. آیه شریفه «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا»^{۱۷} فقها با استناد به این آیه شریفه، زنا را تنها شرط حدوث حکم جلد دانسته اند و زانی و زانیه را پس از ارتکاب فعل قبیح زنا، محکوم به جلد کرده اند. چنان که شهیدین می نویسند: «و یجلد الزانی أشد الجلد.»^{۱۸}

۲. آیه شریفه «و السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا»^{۱۹} فقها همان گونه که به آیه فوق برای اثبات حکم جلد برای زانی استدلال و استناد کرده اند، به این آیه شریفه هم برای اثبات حکم قطع ید برای سارق و سارقه استناد کرده اند که سرقت را تنها شرط حدوث حکم قطع ید دانسته و به قطع ید سارق و سارقه حکم کرده اند. این مسئله از مسائل اجماعی نزد فقهاست.^{۲۰} چنان که شیخ طوسی سارق را علاوه بر حکم به قطع اصابع ید سارق، به برگرداندن آنچه برده است محکوم کرده و گفته است: «السارق یقطع ویغرم ما یسرقه.»^{۲۱}

۱۴. صدر، معالم، ۱۹۲/۱.

۱۵. حکیم، مستمسک، ۱۰۶/۱۰.

۱۶. هاشمی شاهرودی، کتاب الحج، ۱۳۰/۱.

۱۷. نور: ۲.

۱۸. شهید ثانی، الروضة البهیة، ۱۰۶/۹.

۱۹. مانند: ۳۸.

۲۰. فاضل هندی، کشف اللثام، ۶۲۰/۱۰.

۲۱. طوسی، الخلاف، ۴۹۵/۳.

در نتیجه، ثابت شد که شرایط احکام در واجبات مشروط، تنها شرط حدوث هستند و تنجز و به فعلیت رسیدن احکام، تنها متوقف بر حدوث شرایط است اما بعد از تنجز حکم، به حال خود باقی می ماند اگرچه شرط آن منتفی شود.

پاسخ دوم (روایی): دومین پاسخی که برای پاسخ به اشکال وارد می توان به آن استناد کرد این است که روایات زیادی وارد شده است که استطاعت را تنها شرط حدوث می دانند و وجوب حج را تنها متوقف بر حصول استطاعت می دانند و با زوال استطاعت، حکم از بین نخواهد رفت؛ بلکه بر ذمه مکلف مستقر می ماند.

روایت اول (صحیح حلی): از جمله روایات دال بر شرط حدوث بودن استطاعت، صحیح حلی^{۲۲} مذکور است که عبارت آن «قدر علی ما یحج به» به صیغه ماضی آمده و وجوب حج را تنها متوقف بر حدوث استطاعت می داند و بقای استطاعت ملاک بقا و انتفای حکم نیست.

روایت دوم (صحیح محمد بن مسلم): در روایات حج بذلی آمده است: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ فِي حَدِيثٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنْ عَرِضَ عَلَيْهِ الْحَجُّ فَاسْتَحْيَا قَالَ «هُوَ مِمَّنْ يَسْتَطِيعُ الْحَجَّ»^{۲۳} که حاکی از این است: اگر کسی هزینه حج مکلف را به او ببخشد و مکلف به دلیل خجالت، آن اموال را قبول نکند، بر او اصطلاح مستطیع صدق خواهد کرد؛ زیرا استطاعت که شرط حدوث است، حاصل و وجوب حج بر ذمه او مستقر شده است.

پاسخ سوم (قواعد اصولی): پس از اینکه با استناد به روایات، اشکال مطرح شده را پاسخ دادیم، می توان به نحوه دیگری و با استناد به قواعد اصولی هم آن اشکال را پاسخ گوئیم و نقد کنیم.

بیان استدلال: در ابتدا بایستی سؤال شود که اشکال کننده، حج را از قبیل واجب معلق می داند یا واجب مشروط؟ زیرا در مباحث اصولی در تقسیم بندی واجب، آن را در تقسیمی، به واجب مطلق و مشروط^{۲۴} و در تقسیمی دیگر، به واجب معلق و منجز^{۲۵} تقسیم کرده اند.

در صورتی که آن را از قبیل واجب معلق بدانیم، تنها متوقف بر حدوث استطاعت است و پس از حصول استطاعت، فعلی و منجز می شود. پس از اثبات این مسئله به چه دلیل می توان ادعا کرد که مکلف مجاز به سلب استطاعت است و می تواند خود را از استطاعت خارج کند؟

۲۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۲۶/۱۱.

۲۳. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۴۰/۱۱.

۲۴. عبدی، الاساس فی اصول الفقه، ۶۸.

۲۵. فاضل لنکرانی، ایضاح الکفاية، ۲۳۲/۲.

همچنین، اگر وجوب حج را از باب وجوب مشروط بدانیم نیز مستقر و منجز است و انجام فعلی که منافعی آن باشد، جایز نیست؛ زیرا شرط (استطاعت) حاصل شده است و واجب مشروط پس از حصول شرط به واجب مطلق تبدیل خواهد شد^{۲۶} که براساس این مبنا، اکثر فقها^{۲۷} به عدم جواز تصرف و سلب استطاعت فتوا داده‌اند. در نتیجه، اشکال مطرح شده وارد نیست و مکلف پس از حصول استطاعت، مجاز به تصرف نخواهد بود و نمی‌تواند استطاعت خود را سلب کند.

ج. قبیح تفویض واجب: علاوه بر ادله سابق بر وجوب حفظ استطاعت، یکی دیگر از ادله‌ای را که می‌توان برای اثبات حرمت تصرف در مال الحج اقامه کرد، «قبیح تفویض واجب» است؛ زیرا تصرف مورد بحث موجب تفویض واجب می‌شود و تفویض واجب، به اجماع فقهای امامیه از نظر عقلی قبیح است.

بیان استدلال: استدلال به این قاعده نیازمند طرح مقدماتی است که عبارت‌اند از:

مقدمه اول: منجز شدن امر وجوب و استقرار حج بر ذمه مکلف، مشروط به حصول استطاعت است و زمانی که مکلف مستطیع شود و به وجوب حج علم داشته باشد، حج بر ذمه او فعلیت می‌یابد و مستقر می‌شود.

مقدمه دوم: تصرف در اموال، مستطیع را از استطاعت خارج خواهد کرد و موجب سلب قدرت مکلف بر ادای مناسک حج می‌شود یا به اصطلاح علمی، این تصرف موجب تفویض واجب شود.

مقدمه سوم: تفویض واجب هم براساس قاعده فقهی «قبیح تعجیز المكلف نفسه عما یتعلق به التکلیف»^{۲۸} و اجماع فقهای امامیه، به حکم عقل قبیح است.^{۲۹}

مقدمه چهارم: طبق قانون ملازمه «قاعده کل ما حکم به العقل حکم به الشرع»^{۳۰} از لحاظ شرعی، تفویض واجب - که سبب آن در مسئله مورد بحث تصرف در مال الحج است - قبیح عقلی و ممنوع شرعی است و در نتیجه، حرام خواهد بود.

در پایان ثابت شد که به حکم عقل و به تبع به حکم شرع، تصرف در مال الحج، قبیح و حرام است و مکلف مستطیع مجاز به تصرف در مال الحج به هر نوعی نیست.

در نتیجه، ثابت شد که پس از حصول استطاعت، حج بر ذمه مکلف مستطیع مستقر می‌شود و پس از استقرار وجوب، تصرف در مال الحج حرام است و مکلف نمی‌تواند در اموال خود تصرف کند.

۲۶. سبحانی تیریزی، ارشاد العقول، ۵۵/۲.

۲۷. اشتهاردی، مدارک العروة، ۱۴۰/۲۴.

۲۸. سبزواری، مهذب الاحکام، ۷۲/۱۲.

۲۹. موسوی روضناتی، اجماعات فقهاء الامامیه، ۳۸/۵.

۳۰. مظفر، اصول الفقه، ۲۹۳/۱.

۱. ۳. ۱. محدوده زمانی حرمت سلب استطاعت

نظر به آنچه گذشت، احراز شد که تصرف در مال الحج و سلب استطاعت جایز نیست و حرام است. اکنون درصدد بررسی محدوده زمانی حرمت سلب استطاعت هستیم، مبنی بر اینکه آیا حرمت سلب استطاعت، مطلق است و در تمام زمان‌ها باقی است یا محدود به زمان خاصی است؟ این مسئله بین فقها محل اختلاف است و بعضی، آن را مطلق و بعضی، آن را محدود و مقید می‌دانند که به بیان اقوال فقها می‌پردازیم.

۱. ۳. ۱. ۱. اقوال فقها

فقها در این زمینه با توجه به عصر خود و ادله‌ای که اقامه کرده‌اند، نظرات مختلفی را مطرح کرده‌اند و هر دسته، ملاک خاصی را به عنوان «حد التعجیز» یا همان «محدوده حرمت سلب استطاعت» ذکر کرده‌اند که پس از بررسی اقوال توانستیم تمام اقوال را در چهار قول عمده دسته‌بندی کنیم. اکنون درصدد بیان اقوال و ذکر نام قائلان به آن اقوال هستیم.

أ. بعد از خروج کاروان: بسیاری از علما، مانند علامه حلی که در تذکره فرموده است: «اموال و استطاعت مالی در زمان خروج مردم معتبر است»^{۳۳} و همچنین در منتهی،^{۳۳} شهید اول،^{۳۴} محقق اردبیلی،^{۳۵} صاحب مدارک،^{۳۶} فاضل هندی،^{۳۷} صاحب جواهر^{۳۸} و از معاصران، آیت الله بهجت،^{۳۹} ملاک حرمت سلب استطاعت را خروج کاروان دانسته و گفته‌اند که مکلف مستطیع، قبل از خروج کاروان مجاز به سلب استطاعت است و می‌تواند در اموال خود تصرف کند اما بعد از حرکت کاروان لازم است همراه آنان برود و اموال را صرف ادای حج کند.

ب. تمکن از رفتن: دسته دیگری از علما؛ مانند صاحب عروة،^{۴۰} سیدحکیم^{۴۱} و آملی^{۴۲} ملاک

۳۱. «المال إنما يعتبر وقت خروج الناس.»

۳۲. علامه حلی، تذکره الفقهاء، ۶۰/۷.

۳۳. علامه حلی، منتهی المطلب، ۸۱/۱۰.

۳۴. شهید اول، دروس، ۳۱۲/۱.

۳۵. مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان، ۷۴/۶.

۳۶. موسوی عاملی، مدارک الاحکام، ۴۵/۷.

۳۷. فاضل هندی، کشف اللثام، ۹۸/۵.

۳۸. صاحب جواهر، جواهر الکلام، ۲۰۲/۹.

۳۹. بهجت، مناسک حج، ۴۱.

۴۰. طباطبایی، العروة الوثقی، ۳۸۳/۴.

۴۱. حکیم، مستمسک، ۱۰۷/۱۰.

۴۲. آملی، مصباح الهدی، ۳۶۵/۱۱.

حرمت سلب استطاعت را تمکن از سفر دانسته و گفته‌اند: «زمانی که مکلف واجد شرایط رفتن به حج و متمکن از سفر حج باشد، مجاز به تصرف در اموال و سلب استطاعت نیست و در صورت تصرف، حج بر ذمه او مستقر می‌ماند. اما قبل از تمکن می‌تواند در اموال خود تصرف نماید و خود را از استطاعت خارج کند.»

بعضی از فقها، نظیر امام خمینی^{۴۳} ضمن قول به ملاک بودن تمکن، در سبب عدم تمکن قائل به تفصیل شده و گفته‌اند: «اگر مکلف به دلیل عدم صحت بدنی و تخلیه سرب، متمکن از سفر حج نباشد، جایز است در اموال خود تصرف کند اما در صورتی که دلیل عدم تمکن، مهیان بودن مقدمات سفر یا نداشتن همسفر باشد، در صورتی که احتمال مهیاشدن شرایط را بدهد، نمی‌تواند در اموال خود تصرف کند و در صورت تصرف و مهیاشدن شرایط - پیداشدن همسفر و مهیاشدن مقدمات سفر - حج بر ذمه او مستقر گشته و واجب است در اسرع وقت آن را ادا کند.»

بعضی دیگر از فقها، نظیر آیت‌الله سبزواری^{۴۴} و خوانساری^{۴۵} صرف عدم تمکن فعلی را معتبر نمی‌دانند، بلکه ملاک حرمت سلب استطاعت را ناامیدی از تمکن می‌دانند؛ به این بیان که، اگر مکلف مستطیع، متمکن از سفر نباشد اما امید به تمکن داشته باشد، مجاز به تصرف در اموال نخواهد بود.

ج. تمکن از رفتن و دخول اشهر الحج: گروهی دیگر از فقها، مانند محقق نائینی^{۴۶} ملاک حرمت و محدوده زمانی آن را یکی از دو شرط «تمکن از سفر» و «اشهر الحج» می‌دانند. بر این اساس، مکلف در صورتی که اولاً متمکن از سفر نباشد و ثانیاً ماه‌های مخصوص حج نرسیده باشد، مجاز به تصرف است و می‌تواند خود را از استطاعت خارج کند. اما در صورتی که یکی از شرایط مذکور منتفی باشد - مثلاً اشهر الحج برسد اگرچه متمکن از سفر نباشد - جایز نیست در اموال خود تصرف کند.

برخی دیگر از فقها، نظیر آیت‌الله مظاهری^{۴۷} صرف دخول اشهر الحج و رسیدن وقت حج را معتبر دانسته و فرموده است: «انسان می‌تواند قبل از رسیدن وقت حج، خود را از استطاعت خارج کند.»

د. جایز نیست مطلقاً: قسمی دیگر از فقها، نظیر محدث بحرانی^{۴۸} سیدخوئی^{۴۹} تبریزی^{۵۰} فاضل

۴۳. طباطبایی، العروة الوثقی، ۳۸۳/۴.

۴۴. سبزواری، مهذب الاحکام، ۷۲/۱۲.

۴۵. طباطبایی، العروة الوثقی، ۳۸۴/۴.

۴۶. طباطبایی، العروة الوثقی، ۳۸۴/۴.

۴۷. مظاهری، مناسک حج، ۲۱.

۴۸. بحرانی، حدائق، ۱۰۷/۱۴.

۴۹. خوئی، مناسک الحج، ۱۹.

۵۰. تبریزی، مناسک الحج، ۲۵.

لنکرانی،^{۵۱} حکیم،^{۵۲} علوی گرگانی،^{۵۳} سیستانی،^{۵۴} روحانی،^{۵۵} سبحانی،^{۵۶} مکارم شیرازی^{۵۷} و نوری همدانی^{۵۸} حرمت را تنها متوقف بر حصول استطاعت می‌دانند و بعد از حصول استطاعت، مکلف را مطلقاً مجاز به تصرف در اموال خود نمی‌دانند؛ بلکه موظف است استطاعت خود را حفظ کند و در زمان مخصوص حج، حج مستقر بر ذمه خود را امثال کند.

بعضی دیگر از فقها، نظیر محقق حلی،^{۵۹} شیخ طوسی در الخلاف^{۶۰} و المبسوط^{۶۱} آن را بر نکاح مقدم کرده‌اند که مفهوم تقدیم این بزرگواران این است که حج بر همه اشیا مقدم است؛ زیرا ترک نکاح، مستلزم مشقت عظیم و حرج شدید است. با استفاده از این تحلیل فهمیده می‌شود که سلب استطاعت مطلقاً حرام است.

بعضی از فقهای متأخرالمتأخرین، مانند نراقی^{۶۲} و فقهای معاصر، مانند فاضل لنکرانی،^{۶۳} شبیری زنجانی،^{۶۴} هاشمی شاهرودی،^{۶۵} فیاض^{۶۶} و حائری^{۶۷} مقداری اطلاق را تخصیص زده و آن را به عدم نیاز مبرم مقید کرده و گفته‌اند: «اگر مکلف نیاز ضروری به اموال پیدا کند، در حدی که عدم تصرف موجب عسر و حرج شود می‌تواند تصرف کند و از استطاعت هم ساقط می‌شود.»

۱.۳.۲. بررسی اقوال فقها

نظر به آنچه ذکر شد، با توجه به اینکه فقها در ملاک حرمت استطاعت اختلاف نظر دارند، لازم است اقوال را بررسی و در پایان دیدگاه مختار خود را بیان کنیم.

۵۱. فاضل لنکرانی، مناسک الحج، ۳۰.

۵۲. طباطبائی حکیم، مناسک الحج، ۳۰.

۵۳. علوی گرگانی، مناسک حج، ۱۵.

۵۴. خمینی، مناسک حج، ۳۱.

۵۵. روحانی، مناسک حج، ۲۶.

۵۶. سبحانی تبریزی، مناسک حج، ۳۱.

۵۷. مکارم شیرازی، مناسک جامع حج، ۳۳.

۵۸. نوری همدانی، مناسک الحج، ۳۲.

۵۹. محقق حلی، شرائع الاسلام، ۲۰/۱.

۶۰. طوسی، الخلاف، ۲۴۸/۲.

۶۱. طوسی، المبسوط، ۲۹۸/۱.

۶۲. نراقی، مستند الشیعة، ۵۹/۱۱.

۶۳. فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعة، ۱۱۷/۱.

۶۴. شبیری زنجانی، مناسک الحج، ۱۶.

۶۵. هاشمی شاهرودی، مناسک الحج، ۲۳.

۶۶. فیاض، مناسک الحج، ۱۵.

۶۷. حسینی حائری، مناسک الحج، ۱۷.

بررسی و نقد قول اول و دوم و سوم: در اقوال سه‌گانه اول، همه قائلان در تعیین ملاک مشترک هستند و همه آن‌ها برای حرمت سلب استطاعت، محدوده و ملاک تعیین کرده‌اند، اما بعضی از آن‌ها ملاک را خروج کاروان و بعضی دیگر، تمکن از مسیر و بعضی دیگر، آن را اشهر الحج می‌دانند، که این اشتراک حاکی از این است که در استدلال هم مشترک هستند. اکنون در صدد نقل و نقد استدلال مشترک این اقوال هستیم.

استدلال مشترک اقوال سه‌گانه اول: فقهای قائل به این اقوال برای اثبات نظریه‌های خود به این دلیل تمسک کرده‌اند که آنچه از روایات فهمیده می‌شود این است که وجوب حج هنگام خروج کاروان رفقا (طبق مبنای اول)، تمکن مکلف از مسیر (طبق مبنای دوم) و دخول اشهر الحج (طبق مبنای سوم) بر مکلف منجز و فعلی می‌شود؛ زیرا قبل از تمکن از مسیر و خروج کاروان رفقا و دخول اشهر الحج، مکلف در استطاعت و استقرار تکلیف حج بر ذمه خود شک دارد و طبق مجاری اصول عملیه، در هنگام شک در تکلیف، اصل برائت جاری می‌شود^{۶۸} و اصل بر عدم وجوب خواهد بود.^{۶۹}

نقد مشترک اقوال سه‌گانه: در نقد استدلال و در رد به اقوال سه‌گانه باید گفت: اولاً، پس از جست‌وجو و بررسی در روایات و مصادر مربوطه، دلیلی که بر این‌گونه تخصیص‌ها دلالت کند نیافتیم؛ بلکه آنچه وارد شده این است که بعد از حصول استطاعت، حج بر مکلف واجب می‌شود و در زمان حصول استطاعت هیچ تفاوتی نیست که قبل از تمکن از مسیر یا بعد از تمکن حاصل شود؛ ثانیاً، در مباحث حج دو مسئله‌ای که باید بین آن‌ها تمییز داده شود، مسئله وجوب و واجب است؛ زیرا وجوب با حصول شرط، فعلی و منجز می‌شود اما واجب (عمل حج) استقبالی و دارای زمان خاصی در زمان آینده است.

پس از بیان این مقدمه، در نقد استدلال باید گفت: استطاعت، شرط وجوب (تکلیف) است و وجوب حج متوقف بر خروج کاروان یا تمکن از مسیر یا دخول اشهر الحج نیست، بلکه تنها متوقف بر حصول استطاعت است. هرگاه که استطاعت حاصل شود حج بر ذمه مکلف مستقر خواهد شد و شکی در تکلیف باقی نمی‌ماند و بنابر ادله‌ای که بیان شد، بعد از استقرار وجوب، مکلف مجاز به تصرف نیست و قیودی که قائلان آن را ملاک حرمت سلب استطاعت قرار داده‌اند، «شرط واجب» هستند.

در نتیجه، ثابت شد که این قیود، شرط واجب هستند، نه وجوب و در استقرار حج بر ذمه مکلف دخالتی ندارند، لذا نمی‌توانند ملاک حرمت تعجیز باشند؛ زیرا حرمت تعجیز مربوط به وجوب است و

۶۸. انصاری، فراند الاصول، ۲۶/۱.

۶۹. صافی، فقه الحج، ۱۷۰/۱.

سلب استطاعت قبل از استقرار وجوب، جایز و بعد از آن حرام است.

بررسی قول چهارم (جایز نیست مطلقاً): همان طور که بیان شد، گروهی دیگری از فقهای امامیه که اکثر آن‌ها از فقهای معاصر هستند برای حرمت سلب استطاعت، مانند اقوال سابق، ملاک و محدوده‌ای معین نکرده‌اند؛ بلکه قائل‌اند که وجوب حج تنها مشروط به حصول استطاعت است و بعد از حصول استطاعت، حج بر ذمه مکلف مستقر خواهد شد. در نتیجه، بنابر ادله‌ای که در صدر پژوهش بیان شد مکلف بعد از حصول استطاعت مجاز به تصرف در اموال نیست و نمی‌تواند خود را از استطاعت خارج کند.

ادله قول چهارم (جایز نیست مطلقاً): پس از اینکه اقوال سه‌گانه اول همراه با استدلال بیان و نقد شد، همچنان قول چهارم بر قوت خود باقی است و اشکالات وارد بر اقوال سه‌گانه بر این قول وارد نیست و با استناد به ادله‌ای که اکنون درصدد بیان آن‌ها هستیم، قول چهارم صحیح و پذیرفته خواهد شد.

اولاً، همان طور که بیان شد آیه حج،^{۷۰} وجوب حج را تنها مشروط به حصول استطاعت دانسته و آن را مقید به زمان خاصی نکرده است؛ بلکه هرگاه که استطاعت حاصل شود، اصطلاح مستطیع بر آن شخص مکلف صدق خواهد کرد و موضوع حج قرار خواهد گرفت. در نتیجه، حج بر ذمه او مستقر می‌شود و پس از استقرار حج، بنابر ادله‌ای که در آغاز نوشتار بیان شد (صحیحهُ حلی، قبح نفویت واجب، وجوب حفظ استطاعت) مکلف مجاز به تصرف و سلب استطاعت نخواهد بود.

ثانیاً، شاید اشکال شود که مبنای قرآن بر اختصارگویی است و تنها اصل مسئله را بیان می‌کند و تفصیل آن را به روایات موکول می‌کند. در پاسخ می‌توان گفت که پس از مراجعه و بررسی در منابع و مصادر مربوطه از کتاب و سنت، دلیلی نیافتیم که بر تخصیص وجوب به زمان مخصوص دلالت کند و روایات وارده در ذیل آیه شریفه مورد بحث، مطلق است و وجوب حج را تنها مشروط به حصول استطاعت دانسته‌اند، مانند: «صحیحهُ ابن ابی عمیر: عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَثْعَمِيِّ قَالَ: سَأَلَ حَفْصُ الْكُنَاسِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَا عِنْدَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ، مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا مَا يُعْنِي بِذَلِكَ» «قَالَ مَنْ كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِهِ مُحَلِّي سَرُّهُ لَهُ زَادَ وَ رَاحِلَةٌ فَهُوَ مِمَّنْ يَسْتَطِيعُ الْحَجَّ أَوْ قَالَ مِمَّنْ كَانَ لَهُ مَالٌ»^{۷۱}

۷۰. آل عمران: ۹۷.

۷۱. محمدبن یحیی خثعمی گفته است که حفص کناسی درباره آیه «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» از حضرت امام صادق (ع) سؤال پرسید اینکه این آیه چه معنایی دارد؟ حضرت (ع) فرمود: یعنی اگر کسی بدنش سالم باشد و راه حج آزاد و امن باشد و زاد و راحله داشته باشد، مستطیع است یا گفته است اگر مال هم داشته باشد. بحرانی، البرهان، ۶۶۳/۱.

مانند این صحیحه که حج را تنها متوقف بر اقسام چهارگانه استطاعت دانسته و نسبت به زمان اشاره نمروده است و طبق «اصالة عدم التقييد»^{۷۲} نمی‌توانیم آن را بدون دلیل، مقید به زمان کنیم. در نتیجه، ثابت شد که اقوال اول و دوم و سوم مردود هستند اما قول چهارم، موافق کتاب و سنت و پذیرفته است.

۱.۳.۳. حکم مسئله در عصر حاضر

پس از اثبات شرط وجوب بودن استطاعت و اطلاق حرمت سلب آن پس از حصول، حکم تکلیفی مستطیع در عصر حاضر هم آشکار می‌شود. پس از حصول استطاعت و مستطیع شدن، حج بر ذمه مکلف مستقر و واجب شده و پس از استقرار وجوب، مقدمات امثال آن از قبیل ثبت نام کردن و نوبت گرفتن برای ادای مناسک حج بر او واجب می‌شود و بایستی در اسرع وقت به انجام آن‌ها بپردازد و نسبت به آن‌ها اهتمام ورزد.

۱.۳.۴. تخصیص اطلاق

پس از بررسی اقوال چهارگانه فقها و نقد اقوال اول و دوم و سوم و پذیرفتن قول چهارم، که حرمت سلب استطاعت را مقید به قید و زمان خاصی نمی‌دانستند، بلکه آن را مطلقاً حرام می‌دانند، اکنون درصدد بیان این مسئله هستیم که آیا این اطلاق در روایات و قواعد فقهی تخصیص خورده یا بر اطلاق خود باقی است؟ پس از مراجعه به مصادر فقهی می‌یابیم که این اطلاق تنها نسبت به محدوده زمانی است اما نسبت به شرایط خاص مکلف، تخصیص می‌یابد و در مواردی، مکلف مجاز به تصرف در اموال خود هست.

مخصص اول (نکاح): بعضی از فقهای معاصر، در دوران امر بین حج و نکاح، در صورت نیاز به ازدواج، نکاح را مقدم کرده‌اند. مکارم شیرازی، از قائلان به این دیدگاه نوشته است: «کسی که نیاز به ازدواج دارد، در صورتی مستطیع می‌شود که علاوه بر مخارج حج، هزینه ازدواج را هم داشته باشد و منظور از نیاز این نیست که به خاطر ترک آن به عسر و حرج بیفتد، بلکه همین اندازه که ازدواج از شئون زندگی او باشد، کافی است.»^{۷۳} مفهوم کلام ایشان این است که اگر مستطیع شود و نیاز به نکاح داشته باشد، در حکم غیر مستطیع است و می‌تواند اموال خود را صرف امر مستحب نکاح کند. سبحانی^{۷۴} نیز قائل به این نظریه است.

نقد: در پاسخ باید گفته شود این مبنا تام نیست و دارای اشکال است؛ زیرا امثال حج از واجبات است

۷۲. حکیم، الاصول العامة، ۲۲۴.

۷۳. مکارم شیرازی، مناسک جامع حج، ۳۲.

۷۴. سبحانی تبریزی، مناسک حج، ۲۳.

و نکاح در صورت عدم ضرورت و عدم خوف از وقوع در حرام، از مستحبات^{۷۵} است و مسلم است که در هنگام تراحم بین واجب و مستحب -مانند فرض مذکور- بدون در نظر گرفتن مرجحات باب تراحم، واجب مقدم است (زیرا مرجحات باب تراحم زمانی اعمال می‌شوند که تراحم بین دو واجب واقع شود)؛ زیرا واجب، مهم‌تر و مستحب، توانایی مزاحمت و مقابله با واجب را ندارد. در نتیجه، به منظور تقدیم نکاح (مستحب) بر حج (واجب) لازم است دلیل خاصی موجود باشد که پس از مراجعه به مصادر فقهی، هیچ دلیلی نیافتیم که بر این موضوع دلالت کند.

مخصص دوم (ضرورت): بعضی از فقها، که نام آن‌ها در بخش اقوال ذکر شد، حرمت تعجیز را مقید به ضرورت دانسته و گفته‌اند: اگر مکلف مستطیع، نیاز مبرم و ضروری داشته باشد، می‌تواند در اموال خود تصرف کند و حج بر ذمه او مستقر نخواهد ماند. با توجه به ادله‌ای که ذکر خواهد شد این تخصیص درست و مطابق ادله است.

۱. ۳. ۵. ادله تقدیم کار ضروری بر حج واجب

أ. روایت (صحیح حلی): **عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا قَدَرَ الرَّجُلُ عَلَى مَا يَحُجُّ بِهِ ثُمَّ دَفَعَ ذَلِكَ وَ لَيْسَ لَهُ شُغْلٌ يَعْذُرُهُ بِهِ فَقَدْ تَرَكَ شَرِيعةً مِنْ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ.»**^{۷۶}
بیان استدلال: در روایت وارد شده است که «اذا قدر الرجل علی ما یحج به» و سپس حج را بدون کاری که او را نزد خداوند متعال معذور بدارد ترک و دفع کند، به تحقیق یکی از شرایع اسلام را ترک کرده و مسلم است که ترک واجب، حرام است.

مفهوم روایت چنین است که اگر عذری که او را نزد خداوند معذور بدارد داشته باشد، می‌تواند حج را ترک و دفع کند. ضرورت، از جمله مواردی است که مکلف را در درگاه الهی معذور می‌دارد؛ لذا مکلف در هنگام ضرورت مجاز به دفع و ترک حج است و یکی از اسباب ترک حج، تصرف در مال الحج است، در نتیجه مکلف می‌تواند در هنگام ضرورت، در مال الحج تصرف کند و خود را از استطاعت خارج کند.

ب. حکم فقها به تقدیم نکاح در صورتی که ضروری و ترک آن مشقت داشته باشد: مشهور فقها؛ مانند محدث بحرانی،^{۷۷} صاحب مدارک،^{۷۸} محقق سبزواری،^{۷۹} آملی،^{۸۰} طباطبایی قمی،^{۸۱} فیاض،^{۸۲}

۷۵. شهید ثانی، الروضة البهیة، ۸۵/۵.

۷۶. امام صادق(ع) می‌فرماید: اگر شخصی بر آنچه که برای حج نیاز دارد قادر است و سپس آن را بدون عذر موجهی که او را نزد خداوند معذور بدارد ترک کند، به تحقیق شریعه‌ای از شرایع اسلام را ترک کرده است. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۲۶/۱۱.

۷۷. بحرانی، حدائق، ۱۰۸/۱۴.

۷۸. موسوی عاملی، مدارک الاحکام، ۴۴/۷.

۷۹. محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ۵۶۰.

علامه حلی در تحریر^{۸۳} و در منتهی،^{۸۴} شهید اول،^{۸۵} بهجت^{۸۶} و صافی گلپایگانی،^{۸۷} نکاح را در صورتی که ترک آن مشقت و حرج داشته باشد بر حج واجب مقدم کرده‌اند و دلیلی که می‌توانند داشته باشند، همین ضرورت و اهمیت آن است؛ زیرا مکلف در چنین حالتی نیاز ضروری و مبرم به نکاح دارد. در واقع در چنین فرضی، مسئله وارد مباحث اصولی تراحم می‌شود و بایستی مرجحات باب تراحم را جاری کرد که یکی از آن‌ها «تقدیم الأهم من المتراحمین علی المهم»^{۸۸} است و باید در هنگام تراحم بین دو واجب (چون نکاح در هنگام ضرورت و نیاز به ازدواج واجب می‌شود)، واجب اهم (نکاح) را بر دیگری (حج) مقدم کرد.

ج. قواعد فقهی: علاوه بر ادله فوق، برای تقیید حرمت سلب استطاعت به ضرورت می‌توان به قواعد فقهی هم استناد کرد که عبارت‌اند از:

قاعده نفی ضرر: از جمله قواعد فقهی که فقها در بسیاری از مسائل به آن تمسک کرده‌اند و در این مسئله هم می‌توان به آن تمسک جست، قاعده نفی ضرر^{۸۹} است که برگرفته از مصادر حدیثی و روایی^{۹۰} است.

نحوه استدلال: مکلف مستطیع اگر به اموال الحج نیاز مبرم و ضروری داشته باشد، به تبع در صورت عدم تصرف به آن ضرر وارد خواهد شد و ضرر طبق ادله متقن ذکر شده در کتب قواعد فقهی از مسلمان نفی شده است. در نتیجه، مکلف مستطیع مضطر، مجاز به تصرف در اموال خود است تا با استفاده از آن‌ها ضرر را از خود دفع کند. پس از تصرف هم از استطاعت خارج شده و حج بر ذمه او فعلی نمی‌ماند.

قاعده نفی حرج: از جمله قواعد فقهی که می‌توان برای اثبات جواز تصرف در مال الحج در هنگام ضرورت به آن تمسک کرد، قاعده «نفی العسر و الحرج»^{۹۱} است که برگرفته از آیه شریفه ما «جَعَلَ عَلَیْكُمْ

۸۰. آملی، مصباح الهدی، ۳۳۸/۱۱.

۸۱. طباطبایی قمی، کتاب الحج، ۱۱۰/۱.

۸۲. فیاض، تعالیق میسوطه، ۹۰/۸.

۸۳. علامه حلی، تحریر الاحکام، ۵۴۸/۱.

۸۴. علامه حلی، منتهی المطلب، ۸۱/۱۰.

۸۵. شهید اول، دروس، ۳۱۱/۱.

۸۶. بهجت، مناسک حج، ۴۱.

۸۷. صافی، استفتانات، ۲۹.

۸۸. سبحانی تیریزی، ارشاد العقول، ۳۱۲/۴.

۸۹. مکارم شیرازی، القواعد الفقهیة، ۲۸/۱.

۹۰. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۳۲/۱۸.

۹۱. بجنوردی، القواعد الفقهیة، ۲۴۹/۱.

فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»^{۹۲} است.

نحوه استدلال: همان طور که در استدلال به قاعده فقهی سابق بیان شد زمانی که مکلف مستطیع نیاز ضروری به اموال خود داشته باشد، طبیعتاً تصرف نکردن سبب عسرو حرج ایشان می شود و عسرو حرج در کتاب و سنت از مکلف مسلمان نفی شده است؛ لذا برای اینکه مکلف دچار عسرو حرج نشود، مجاز است که در اموال خود تصرف و خود را از استطاعت خارج کند.

قاعده اضطرار: «الضرورات تبيح المحظورات»^{۹۳} برگرفته از حدیث رفع^{۹۴} است و بیشتر در امور جزایی کاربرد دارد و به آن استناد می شود اما در محل بحث هم می تواند مدرک و مستند باشد.

نحوه استدلال: طبق قاعده اگر شخصی مجبور و ناچار به انجام فعلی شود که از آن نهی شده است - مانند تصرف مستطیع در مال الحج در فرض مذکور - می تواند آن را انجام دهد؛ زیرا ضرورت، افعال منهی عنه را مباح می کند، پس مکلف می تواند برای رفع اضطرار در اموال خود تصرف کند و خود را از استطاعت خارج کند و بعد از سلب استطاعت هم حج بر ذمه او باقی نخواهد ماند.

در نتیجه، ثابت شد که حرمت تعجیز، از لحاظ زمانی محدود و مقید به زمان خاصی نیست؛ بلکه مطلق است. اما نسبت به شرایط مکلف، مقید به عدم ضرورت است. اما اگر شخصی ناچار و مضطر به تصرف در اموال الحج شود طبق ادله ای که بیان شد می تواند در اموال خود تصرف کند و خود را از استطاعت خارج کند. پس از تصرف و سلب استطاعت، وجوب حج بر ذمه او فعلی نخواهد ماند و ساقط خواهد شد.

۲. بررسی حکم وضعی معامله صورت گرفته با اموال الحج

باتوجه به آنچه گذشت ثابت شد که بعد از حصول استطاعت، حج بر ذمه مکلف مستطیع مستقر خواهد شد و مطلقاً نمی تواند در آن اموال تصرف کند و خود را از استطاعت خارج کند، مگر اینکه تصرف ضروری و ترک آن موجب عسرو حرج و مشقت تحمل نشدنی باشد. حال سؤال مطرح می شود که اگر مکلف مستطیع شود و حج بر ذمه او مستقر شود و بدون ضرورت، در مال الحج تصرف کند و معاملاتی را منعقد کند، آیا معاملات صورت گرفته صحیح و نافذ هستند یا خیر؟ حکم وضعی مسئله (صحت یا عدم صحت معاملات) را بررسی می کنیم.

۹۲. حج: ۷۸.

۹۳. محقق داماد، قواعد فقه، ۱۲۳.

۹۴. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي... مَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ. حر عاملی، وسائل الشیعة، ۳۶۹/۱۵.

۲. ۱. ادله صحت معامله منعقد شده با استفاده از اموال الحج

همان طور که بیان شد مسئله محل بحث و هدف اصلی این نوشتار، مسئله حکم وضعی و صحت یا عدم صحت معامله ای است که با استفاده از مال الحج منعقد شده است؛ زیرا افرادی هستند که به حد استطاعت رسیده اما در اموال خود تصرف می کنند، آیا این تصرفات، صحیح هستند و منعقد می شوند یا خیر؟ با استفاده از ادله و قواعد، صحت معاملات برگرفته از اموال الحج را ثابت می کنیم.

ا. امر به شیء مقتضی، نهی از ضد نیست: اولین دلیل استناد شده برای صحت معامله این است که در مباحث اصولی نزد بسیاری از بزرگان ثابت شده است که امر به شیء مقتضی نهی از ضد^{۹۵} نیست.

بیان استدلال: در مباحث اصولی، ضد را به ضد خاص و ضد عام تقسیم کرده اند^{۹۶} که بعضی از بزرگان، امر به شیء را مقتضی نهی از ضد عام می دانند^{۹۷} اما اینکه امر به شیء مقتضی از ضد خاص باشد بسیاری از بزرگان آن را نپذیرفته اند.^{۹۸}

در فرض مورد بحث، مکلف مستطیع مأمور به حفظ استطاعت است و ضد عام امر به حفظ استطاعت، سلب استطاعت است که براساس قواعد اصولی، منهی عنه است که در این نوشتار هم طبق ادله متقدم، حرمت آن ثابت شد و با استفاده از این دلیل هم حرمت آن تأکید می شود.

اما ضد خاص امر به حفظ استطاعت، تصرف در مال الحج است که طبق قواعد اصولی، امر به شیء - حفظ استطاعت - مقتضی نهی از ضد خاص - تصرف و انعقاد معامله - نیست، در نتیجه معامله صورت گرفته منهی عنه نیست و دلیلی بر فساد آن وجود ندارد.

ب. نهی از معامله، نهی غیری است: در دلیل سابق ثابت شد که معاملات مورد بحث منهی عنه نیست و دلیلی که بر فساد آن دلالت کند موجود نیست، لذا صحیح و نافذ هستند. اما بر فرض اینکه تصرف و انعقاد معامله را به عنوان مقدمه واجب، منهی عنه بدانیم هم به صحت معامله مورد بحث خللی وارد نمی شود؛ زیرا اولاً، بسیاری از علما وجوب مقدمه - ترک تصرف در مال الحج - را وجوب شرعی نمی دانند؛^{۹۹} ثانیاً، باتوجه به آنچه ذکر شد (اینکه وجوب مقدمه - ترک تصرف در مال الحج - شرعی و تصرف در آن حرام است) هم نمی توانیم فساد معامله را ثابت کنیم؛ زیرا وجوب مقدمه، وجوب غیری است^{۱۰۰} و به

۹۵. طباطبایی قمی، آراذنا فی اصول الفقه، ۱/۱۸۵.

۹۶. سبحانی تبریزی، الموجز، ۵۵.

۹۷. صافی، بیان الاصول، ۱/۲۶۰.

۹۸. نائینی، فوائد الاصول، ۱/۳۱۲.

۹۹. مظفر، اصول الفقه، ۱/۳۵۳.

۱۰۰. عراقی، بدائع الافکار، ۴۰۰.

تبع، نهی از معامله هم نهی غیرى خواهد بود و نهی غیرى هم دلالت بر فساد نمی‌کند؛^{۱۱} زیرا کاشف از مبعوضیت فعل نیست و به دلیل اینکه در مذهب امامیه مسلم است که احکام، تابع مصالح و مفاسد هستند،^{۱۲} اکنون که معامله مورد بحث مفسده‌ای ندارد، دلیلی بر فساد آن موجود نیست؛ لذا معامله صحیح واقع خواهد شد.

ج. نهی از معاملات، مقتضی فساد نیست: در دلیل سابق ثابت شد که نهی از معامله، نهی غیرى است و دلالتی بر فساد ندارد. اکنون بر فرض اینکه پذیرفته شود که نهی از معامله، نهی نفسی باشد نیز نمی‌تواند در فساد معامله مؤثر باشد؛ زیرا اولاً برخی از اعلام، نهی از معامله را مطلقاً مقتضی فساد نمی‌دانند^{۱۳} و بر فرض اینکه دلالت نهی بر فساد معامله را بپذیریم، هم بنابر آنچه برخی از اصولیان گفته‌اند نمی‌تواند بر فساد معامله دلالت کند؛ زیرا بنابر نظر برخی از اصولیان اگر نهی متعلق به مضمون معامله باشد (مانند نهی از بیع آلات قمار) مقتضی فساد است.^{۱۴} اما اگر نهی متعلق به مضمون معامله نباشد، بلکه معامله صورت گرفته با استفاده از اموال منهی عنه و نتیجه منهی عنه باشد، مقتضی فساد نیست؛ زیرا معامله به خودی خود منهی عنه نیست و محذوری در پی ندارد.

د. تطبیق قاعده فوق بر محل بحث: معاملاتى که با استفاده از مال الحرج صورت می‌گیرد (مثلاً معامله منزل مسکونی یا اتومبیل و...)، به خودی خود منهی عنه نیستند و نهی متعلق به مضمون آنها نشده است؛ بلکه اگر با اموال دیگری غیر از اموال الحرج صورت گیرند، هیچ محذوری ندارند. بنابراین، اکنون که با اموال دارای محذور صورت گرفته‌اند، به دلیل اینکه خود معامله منهی عنه نیست، بلکه نتیجه و متفرع بر منهی عنه است، نمی‌توان با استفاده از این دلیل، فساد معامله مورد بحث را ثابت کنیم؛ زیرا نهی به مضمون و نفس معامله متعلق نشده است.

در پایان ثابت شد که اولاً، معامله مورد بحث منهی عنه نیست؛ ثانیاً، بر فرض اینکه منهی عنه باشد نهی آن، نهی غیرى است و بر فساد دلالتی ندارد؛ ثالثاً، بر فرض اینکه آن را نهی نفسی بدانیم نیز به صحت معامله ضرری وارد نمی‌کند؛ زیرا نهی از معامله، مقتضی فساد نیست.

۳. دیدگاه مختار

باتوجه به آنچه گذشت و ادله‌ای که اقامه شد، نظریه صحیح و دیدگاه نگارندگان این است که پس از

۱۰۱. طباطبایی قمی، آراؤنا فی اصول الفقه، ۲۸۵/۱.

۱۰۲. بجنوردی، القواعد الفقهية، ۳۳۶/۷.

۱۰۳. آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ۱۸۷.

۱۰۴. تسخیری، القواعد الاصولية و الفقهية، ۱۷۴/۱.

حصول استطاعت، حج بر ذمه مکلف مستقر شده و پس از آن، مکلف از لحاظ زمانی مطلقاً مجاز به تصرف در اموال الحج نیست و تصرف در اموال و سلب استطاعت، حرام شرعی است. اما نسبت به شرایط مکلف، اگر نیاز ضروری و مبرم به استفاده آن اموال پیدا کند، مجاز به تصرف است و پس از تصرف و سلب استطاعت، از استطاعت خارج می‌شود و وجوب حج از ذمه او ساقط می‌شود. درباره حکم وضعی هم اگر مکلف مستطیع بدون نیاز ضروری و مبرم به تصرف، در اموال الحج تصرف کند و معاملاتی را منعقد کند، تمام آن معاملات بنا بر ادله اقامه شده صحیح و نافذ است.

نتیجه‌گیری

در صورت مستطیع بودن مکلف، در اینکه آیا می‌تواند در اموال خود تصرف کند و خود را از استطاعت خارج کند یا نمی‌تواند، به فتوای اکثر فقهای امامیه، بلکه به اتفاق علما و بنا بر ادله‌ای از قبیل صحیحہ حلبی و وجوب حفظ استطاعت و قبح تفویض واجب، ثابت شد که مجاز به سلب استطاعت نیست و نمی‌تواند در اموال خود تصرف کند.

اما در اینکه حرمت سلب استطاعت بعد از حصول استطاعت، مطلق و شامل تمام زمان‌هاست یا مقید به زمان خاصی است، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد: بعضی از فقها ملاک حرمت سلب استطاعت را تمکن از سفر و برخی دیگر، خروج کاروان رفقا و برخی آن را مقید به دخول اشهر الحج کرده‌اند و بعضی دیگر، قائل به اطلاق هستند و حرمت را در تمام زمان جاری می‌دانند. استدلال سه دسته اول با استفاده از ادله‌ای همچون شرط واجب بودن این ملاک‌ها، نه شرط واجب نقد شد و قول چهارم (اطلاق) پذیرفته شد.

بعضی از قائلان به قول چهارم، اطلاق حرمت را نسبت به شرایط مکلف تخصیص زدند و حرمت را در تنها در حال اختیار دانستند. اما در صورتی که مکلف نیاز ضروری به تصرف در مال الحج داشته باشد می‌تواند در آن تصرف کند که با استناد به ادله‌ای، همچون صحیحہ حلبی و برخی قواعد فقهی (قاعده نفی ضرر، نفی حرج و قاعده اضطرار) قول این دسته از علما پذیرفته شد.

درباره صحت یا عدم صحت معامله‌ای که غیر ضروری و با استفاده از اموال الحج منعقد شده است نیز با استفاده از قاعده اصولی؛ امر به شیء، مقتضی نهی از ضد نیست و... صحت معامله ثابت شد. در پایان ثابت شد که تصرف در مال الحج و سلب استطاعت مطلقاً جایز نیست، مگر اینکه مکلف به آن نیاز ضروری داشته باشد تا حدی که ترک تصرف موجب عسر و حرج و اضطرار باشد که در این صورت مکلف می‌تواند با استفاده از اموال الحج، خود را از اضطرار و عسر و حرج خارج کند.

منابع

قرآن کریم

- آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین. کفایة الاصول. قم: آل البيت (ع). چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- آملی، محمدتقی. مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی. بی جا: بی نا. چاپ اول، ۱۳۸۴ق.
- اشتهاردی، علی پناه. مدارک العروة. قم: دار الاسوة. چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین. فرائد الاصول. قم: مجمع الفکر الاسلامی. چاپ نهم، ۱۴۲۸ق.
- بجنوردی، حسن. القواعد الفقهية. قم: الهادی. چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان. البرهان فی تفسیر القرآن. قم: بعثت. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد. الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة. قم: مؤسسة النشر الإسلامی. چاپ اول، ۱۳۶۳.
- بهجت، محمدتقی. مناسک حج. قم: دفتر آیت الله بهجت. بی تا.
- تبریزی، جواد. مناسک الحج. قم: دار الصدیقة الشهيدة. چاپ اول، ۱۳۸۳.
- تسخیری، محمدعلی. القواعد الاصولية و الفقهية علی مذهب الامامية. قم: مجمع تقریب مذاهب اسلامی. چاپ دوم، ۱۴۳۱ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن. تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة. قم: آل البيت (ع). چاپ سوم، ۱۴۱۶ق.
- حسینی حائری، کاظم. مناسک الحج. بی جا: دفتر آیت الله سیدکاظم حائری. چاپ دوم، ۱۴۲۷ق.
- حکیم، محسن. مستمسک العروة الوثقی. قم: دار التفسیر. ۱۳۷۴.
- حکیم، محمدتقی. الاصول العامة فی الفقه المقارن. قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع). چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
- خمینی، روح الله. تحریر الوسيلة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). چاپ سوم، ۱۴۳۴ق.
- خمینی، روح الله. مناسک حج. قم: پژوهشکده حج و زیارت. ۱۳۹۷.
- خوئی، ابوالقاسم. مناسک الحج. قم: مهر. ۱۴۱۱ق.
- روحانی، محمدصادق. مناسک حج. قم: کلبه شروق. ۱۳۹۱.
- سبحانی تبریزی، جعفر. ارشاد العقول الی مباحث الاصول. قم: مؤسسه امام صادق (ع). چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
- سبحانی تبریزی، جعفر. الموجز فی اصول الفقه. قم: مؤسسه امام صادق (ع). چاپ چهاردهم، ۱۳۸۷.
- سبحانی تبریزی، جعفر. مناسک حج. قم: مؤسسه امام صادق (ع). چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
- سبزواری، عبدالاعلی. مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام. قم: دفتر آیت الله سبزواری. چاپ چهارم، ۱۴۱۶ق.
- شبیری زنجانی، موسی. مناسک الحج. قم: مشرقین. چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
- شهید اول، محمد بن مکی. الدروس الشرعية فی فقه الامامية. قم: مؤسسه النشر الإسلامی. چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.

شهید ثانی، زین الدین بن علی. الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. به تحقیق محمد کلانتر. قم: داورى. چاپ اول، ١٤١٠ق.

صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر. جواهر الکلام فی ثوبه الجدید. قم: دایرة المعارف فقه اسلامى. چاپ اول، ١٤٢١ق.

صافى، لطف الله. بیان الاصول. قم: دفتر آیت الله صافى گلپایگانى. چاپ اول، ١٤٢٨ق.

صافى، لطف الله. استفتائات حج. قم: مؤسسه انتشارات حضرت معصومه (س). چاپ اول، ١٤٢٢ق.

صافى، لطف الله. فقه الحج. قم: حضرت معصومه (س). چاپ اول، ١٤٢٣ق.

صدر، محمد باقر. المعالم الجدیدة للأصول. قم: کنگره شهید صدر. چاپ دوم، ١٣٧٩.

صدر، محمد باقر. دروس فی علم الاصول. قم: مؤسسه النشر الإسلامى. چاپ پنجم، ١٤١٨ق.

طباطبایى حکیم، محمد سعید. مناسک الحج و العمرة مع الاستفتائات. قم: دار الهلال. ١٤٢٣ق.

طباطبایى قمى، تقى. آراؤنا فی اصول الفقه. قم: محلاتى. چاپ اول، ١٣٧١.

طباطبایى قمى، حسن. کتاب الحج. بی جا: باقرى. چاپ اول، ١٤١٥ق.

طباطبایى، محمد کاظم. العروة الوثقى محشى. قم: مؤسسه النشر الإسلامى. چاپ دوم، ١٤٢١ق.

طوسى، محمد بن حسن. الخلاف فی الاحکام. قم: مؤسسه النشر الإسلامى. چاپ اول، ١٤٠٧ق.

طوسى، محمد بن حسن. المبسوط فی فقه الامامیه. تهران: الرضویه. چاپ سوم، ١٣٨٧ق.

عبدى، محمد حسین. الاساس فی اصول الفقه. قم: حوزة علمیه. چاپ چهارم، ١٣٩٩.

عراقى، ضیاء الدین. بدائع الافکار فی الاصول. نجف: المطبعة العلمیه. چاپ اول، ١٣٧٠ق.

علامه حلى، حسن بن یوسف. تحرير الاحکام الشرعیة. قم: مؤسسه امام صادق (ع). چاپ اول، ١٤٢٠ق.

علامه حلى، حسن بن یوسف. تذکرة الفقهاء. قم: آل البيت (ع). چاپ اول، ١٤١٤ق.

علامه حلى، حسن بن یوسف. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه. چاپ اول، ١٤١٢ق.

علوى گرگانى، محمد على. مناسک حج. قم: دفتر آیت الله علوى گرگانى. ١٣٨٢.

فاضل لنکرانى، محمد. ایضاح الکفاية. قم: نوح. چاپ پنجم، ١٣٨٥.

فاضل لنکرانى، محمد. تفصیل الشریعة: کتاب الحج. بیروت: دار التعارف. چاپ دوم، ١٤١٨ق.

فاضل لنکرانى، محمد. مناسک الحج. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار. ١٤٢٣ق.

فاضل هندى، محمد بن حسن. کشف اللثام عن قواعد الاحکام. قم: مؤسسه النشر الإسلامى. چاپ اول، ١٤١٦ق.

فیاض، محمد اسحاق. تعالیق مبسوطة على العروة الوثقى. قم: محلاتى. چاپ اول، بی تا.

فیاض، محمد اسحاق. مناسک الحج. قم: عزیزى. ١٤١٨ق.

- محقق حلی، جعفر بن حسن. شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: اسماعیلیان. چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- محقق داماد، مصطفی. قواعد فقه (بخش جزایی). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی. ۱۳۸۳.
- محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن. ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد. قم: آل البيت(ع). نسخه خطی.
- مظاهری، حسین. مناسک حج. قم: الزهراء(س). چاپ پنجم، ۱۳۹۴.
- مظفر، محمدرضا. اصول الفقه. قم: مؤسسه النشر الإسلامی. چاپ پنجم، ۱۴۳۰ق.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان. قم: مؤسسه النشر الإسلامی. چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- مکارم شیرازی، ناصر. القواعد الفقهية. قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین(ع). چاپ سوم، ۱۴۱۱ق.
- مکارم شیرازی، ناصر. مناسک جامع حج. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب(ع). چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
- موسوی روضاتی، احمد. اجماعات فقهاء الامامیه. بیروت: اعلمی. چاپ اول، ۱۴۳۲ق.
- موسوی عاملی، محمد بن علی. مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام. مشهد: آل البيت(ع). چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.
- نائینی، محمد حسین. فوائد الاصول. قم: مؤسسه النشر الإسلامی. چاپ اول، ۱۳۷۶.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی. مستند الشیعه فی احکام الشریعه. قم: آل البيت(ع). چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- نوری همدانی، حسین. مناسک الحج. قم: دفتر آیت الله نوری همدانی. ۱۴۳۰ق.
- هاشمی شاهرودی، محمود. کتاب الحج. قم: انصاریان. چاپ اول، بی تا.
- هاشمی شاهرودی، محمود. مناسک الحج. بی جا: بی تا. بی تا.

Transliterated Bibliography

Qurān-i Karīm.

‘Abdī, Muḥammad Ḥusayn. *al-Asās fī Uṣūl al-Fiqh*. Qum: Ḥawzah-yi ‘Ilmiyah. Chāp-i Chāhārum, 2021/1399.

Ākhūnd Khurāsānī, Muḥammad Kāzīm ibn Ḥusayn. *Kifāya al-Uṣūl*. Qum: Āl al-Bayt(AS). Chāp-i Awwal, 1989/1409.

‘Alawī Gurgānī, Muḥammad ‘Alī. *Manāsik Hajj*. Qum: Daftar Āyat Allāh ‘Alawī Gurgānī. 2004/1382.

‘Allāmah Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. *Muntahā al-Maṭlab fī Taḥqīq al-Madhhab*. Mashhad: Majma‘ Buḥūth al-Islāmiyya. Chāp-i Awwal, 1992/1412.

‘Allāmah Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. *Tadhkara al-Fuqahā*. Qum: Āl al-Bayt(AS). Chāp-i Awwal, 1994/1414.

‘Allāmah Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. *Tahrīr al-Aḥkām al-Shar‘īyah*. Qum: Mū‘assisah-yi Imām Ṣādiq(AS). Chāp-i Awwal, 1999/1420.

- ‘Āmulī, Muḥammad Taqī. *Miṣbāḥ al-Hudā fi Sharḥ-i al-‘Urwa al-Wuthqā*. S.l. s.n. Chāp-i Awwal, 1965/1384.
- Anṣārī, Murtaḍā ibn Muḥammad Amīn. *al-Farā’id al-‘Uṣūl*. Qum: Majm‘ al-Fikr al-Islāmī. Chāp-i Nuhum, 2007/1428.
- Bahjat, Muḥammad Taqī. *Manāsik al-Ḥajj*. Qum: Daftar Āyat Allāh Bahjat. s.d.
- Bahrānī, Hāshim ibn Sulaymān. *al-Burhān fi Tafsīr al-Qurān*. Qum: Ba’tḥat. Chāp-i Awwal, 1995/1415.
- Bahrānī, Yūsuf ibn Aḥmad. *al-Ḥadā’iq al-Nādira fi Ahkām al-‘Itra al-Tāhira*. Qum: Mū’assisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Awwal, 1985/1363.
- Bujnūrdī, Ḥasan. *al-Qawā’id al-Fiqhiyah*. Qum: al-Hādī. Chāp-i Awwal, 1998/1419.
- Fāḍil Hindī, Muḥammad ibn Ḥasan. *Kashf al-Lithām ‘an Qawā’id al-Ahkām*. Qum: Mū’assisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Awwal, 1996/1416.
- Fayyād, Muḥammad Ishāq. *Manāsik al-Ḥajj*. Qum: ‘Azizī. 1997/1418.
- Fayyād, Muḥammad Ishāq. *Ta’āliq Mabsūṭa ‘alā al-‘Urwa al-Wuthqā*. Qum: Maḥalātī. Chāp-i Awwal, s.d.
- Fāzil Lankarānī, Muḥammad. *Īḍāḥ al-Kifāya*. Qum: Nūḥ. Chāp-i Panjum, 2007/1385.
- Fāzil Lankarānī, Muḥammad. *Manāsik al-Ḥajj*. Qum: Markaz-i Fiqhī A’imāh Athār. 2002/1423.
- Fāzil Lankarānī, Muḥammad. *Tafṣīl al-Sharī‘a: Kitāb al-Ḥajj*. Beirut: Dār al-Ta’aruf. Chāp-i Duwwum, 1997/1418.
- Ḥakīm, Muḥammad Taqī. *al-Uṣūl al-‘Āmah fi Al-Fiqh al-Muqārīn*. Qum: Majma‘ Jahānī Āl al-Bayt(AS). Chāp-i Duwwum, 1997/1418.
- Ḥakīm, Muḥsin. *Mustamsak al-‘Urwa al-Wuthqā*. Qum: Dār al-Tafsīr. 1996/1374.
- Hāshimī Shāhrūdī, Maḥmūd. *Kitāb al-Ḥajj*. Qum: Anṣārīyān. Chāp-i Awwal, s.d.
- Hāshimī Shāhrūdī, Maḥmūd. *Manāsik al-Ḥajj*. s.l. s.n. s.d.
- Hurr ‘Āmili, Muḥammad ibn Ḥasan. *Tafṣīl Wasā’il al-Shi‘a ilā Tahṣīl Masā’il al-Sharī‘a*. Qum: Āl al-Bayt(AS), Chāp-i Sivum, 1995/1416.
- Husaynī Ḥā’irī, Kāzim. *Manāsik al-Ḥajj*. S.l. Daftar Āyat Allāh Sayyid Kāzim Ḥā’irī, Chāp-i Duwwum, 2006/1427.
- ‘Irāqī, Zīyā’ al-Dīn. *Al-Badā’i‘ al-Afkār fi al-Uṣūl*. Najaf: al-Maṭba‘a al-‘Ilmiyya. Chāp-i Awwal, 1951/1370.
- Ishthārdī, ‘Alī Panāh. *Madārik al-‘Urwa*. Qum: Dār al-Uswah. Chāp-i Awwal, 1996/1417.

- Khū'i, Abū al-Qāsim. *Manāsik al-Hajj*. Qum: Mihr. 1991/1411.
- Khumaynī, Rūḥ Allāh. *Manāsik Hajj*. Qum: Pāzhūhishkadih-yi Hajj va Ziyārat. 2019/1397.
- Khumaynī, Rūḥ Allāh. *Tahrīr al-Wasilah*. Tehran: Mū'assisah-yi Tanzīm va Nashr-i Āsar-i Imām Khumaynī. Chāp-i Sivum, 2013/1434.
- Makārim Shīrāzī, Nāsir. *al-Qawā'id al-Fiqhiyah*. Qum: Madrisah-yi Imām Amīr al-Mu'minīn(AS). Chāp-i Sivum, 1991/1411.
- Makārim Shīrāzī, Nāsir. *Manāsik Jāmi' Hajj*. Qum: Madrisah-yi Imām 'Alī ibn Abī Ṭālib (AS). Chāp-i Awwal, 2005/1426.
- Mazāhiri, Ḥusayn. *Manāsik Hajj*. Qum: al-Zahrā. Chāp-i Panjum, 2016/1394.
- Muḥaqqiq Sabziwārī, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Mu'min. *Dhakhīra al-Ma'ād fi Sharḥ al-Irshād*. Qum: Āl al-Bayt(AS). Nuskhīh-yi Khaṭṭī.
- Muḥaqqiq Dāmād, Muṣṭafā. *Qawā'id Fiqh (Bakhsh-i Jazā'ī)*. Tehran: Markaz-i Nashr-i 'Ulum Islāmī. 2005/1383.
- Muḥaqqiq Ḥillī. Ja'far ibn Ḥasan. *Sharā'i' al-Islām fi Masā'il al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. Qum: Ismā'iliyān. Chāp-i Duwwum, 1988/1408.
- Muqaddas Ardabīlī, Aḥmad ibn Muḥammad. *Majma' al-Fā'ida wa al-Burhān fi Sharḥ Irshād al-Adhḥān*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Awwal, 1983/1403.
- Musawī al-Rawḍātī, Aḥmad. *Ijmā' at Fuqahā' al-Imāmiyah*. Beirut: al-A'lamī. Chāp-i Awwal, 2011/1432.
- Mūsawī 'Āmilī, Muḥammad ibn 'Alī. *Madārik al-Aḥkām fi Sharḥ Sharā'i' al-Islām*. Mashhad: Āl al-Bayt(AS). Chāp-i Duwwum, 1991/1411.
- Muzaffar, Muḥammad Riḍā. *Uṣūl al-Fiqh*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Panjum, 2009/1430.
- Nā'inī, Muḥammad Ḥusayn. *Fawā'id al-Uṣūl*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Awwal, 1998/1376.
- Narāqī, Aḥmad ibn Muḥammad Mahdī. *Mustanad al-Shi'a fi Aḥkām al-Shari'a*. Qum: Āl al-Bayt (AS). Chāp-i Awwal, 1995/1415.
- Nūrī Hamadānī, Ḥusayn. *Manāsik al-Hajj*. Qum: Daftar Āyat Allāh Nūrī Hamadānī. 2009/1430.
- Rūḥānī, Muḥammad Ṣādiq. *Manāsik Hajj*. Qum: Kubih-yi Shurūq. 2013/1391.
- Sabzawārī, 'Abd al-'Alā. *al-Muhadhdhab al-Aḥkām fi Bayān al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. Qum: Daftar Āyat Allāh Sabzawārī, Chāp-i Chāhārum, 1995/1416.

- Şadr, Muḥammad Bāqir. *al-Ma'ālim al-Jadīda li-al-Uşūl*. Qum: Kungirah-yi Shahīd Şadr. Chāp-i Duwwum, 1960/1379.
- Şadr, Muḥammad Bāqir. *Durūs fi 'Ilm al-Uşūl*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī, Chāp-i Panjum, 1997/1418.
- Şafī, Luţf Allāh. *Bayān al-Uşūl*. Qum: Daftar Āyat Allāh Şafī Gulpāygānī, Chāp-i Awwal, 2007/1428.
- Şafī, Luţf Allāh. *Fiqh al-Ḥajj*. Qum: Ḥāzrat Ma'şūmah. Chāp-i Awwal, 2002/1423.
- Şafī, Luţf Allāh. *Istiftā'at Ḥajj*. Qum: Mū'assisah-yi Intishārāt-i Ḥāzrat Ma'şūmah. Chāp-i Awwal, 2001/1422.
- Şāhib Jawāhir, Muḥammad Ḥasan ibn Bāqir. *Jawāhir al-Kalām fi Thawbihi al-Jadīd*. Qum: Dāyira al-Ma'ārif-i Fiqh-i Islāmī. Chāp-i Awwal, 2000/1421.
- Shahīd Awwal, Muḥammad ibn Makki. *al-Durūs al-Shar'iyah fi Fiqh al-Imāmiyah*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Duwwum, 1996/1417.
- Shahīd Thānī, Zayn al-Dīn ibn 'Alī. *al-Rawḍa al-Bahiya fi Sharḥ al-Lum'a al-Dimashqiya*. researched by Muḥammad Kalāntar. Qum: Dāwarī, Chāp-i Awwal, 1990/1410.
- Shubayrī Zanjanī, Mūsā. *Manāsik al-Ḥajj*. Qum: Mashriqayn. Chāp-i Awwal, 2000/1421.
- Subḥānī Tabrizī, Ja'far. *al-Mūjaz fi Uşūl al-Fiqh*. Qum: Mū'assisah-yi Imām Şādiq(AS). Chāp-i Chāhārdahum, 1967/1387.
- Subḥānī Tabrizī, Ja'far. *Irshād al-Uqūl ilā Mabāhith al-Uşūl*. Qum: Mū'assisah-yi Imām Şādiq(AS). Chāp-i Awwal, 2003/1424.
- Subḥānī Tabrizī, Ja'far. *Manāsik Ḥajj*. Qum: Mū'assisah-yi Imām Şādiq(AS). Chāp-i Awwal, 2007/1428.
- Ṭabāṭabāyī Qumī, Taqī. *Ārāunā fi Uşūl al-Fiqh*. Qum: Maḥalātī. Chāp-i Awwal, 1992/1371.
- Ṭabāṭabāyī Ḥakīm, Muḥammad Sa'īd. *Manāsik al-Ḥajj wa al-'Umra ma'a Istiftā'at*. Qum: Dār al-Hilāl. 2002/1423.
- Ṭabāṭabāyī Qumī, Ḥasan. *Kitāb al-Ḥajj*. S.l. Bāqirī. Chāp-i Awwal, 1995/1415.
- Ṭabāṭabāyī, Muḥammad Kāzim. *al-'Urwa al-Wuthqā Muḥashshī*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Duwwum, 2000/1421.
- Tabrizī, Javād. *Manāsik al-Ḥajj*. Qum: Dār al-Şidiqa al-Shahīda. Chāp-i Awwal, 2005/1383.
- Taskhīrī, Muḥammad 'Alī. *al-Qawā'id al-Uşūliya wa al-Fiqhiya 'alā Mazhab al-Imāmiya*. Qum: Majma' Taqrīb Madhāhib Islāmī. Chāp-i Duwwum, 2010/1431.

کرملاجعب، مؤذنی بیستگانی؛ ارزیابی فقهی تصرف در نفقه حج و سلب استطاعت مستطیع/۱۹۵

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *al-Khilāf fi al-Aḥkām*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Awwal, 1987/1407.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *al-Mabsūṭ fi Fiqh al-Imāmiyah*. Tehran: al-Raḍawīya. Chāp-i Sivum, 1967/1387.